

نقد مقاله «متشابه» از دایرة المعارف قرآن لیدن*

دکتر عیسی متقی زاده* و فاطمه قندالی***

چکیده

مقاله «متشابه» (ambiguous) از مستشرق یهودی، خانم لی کینبرگ، در دایرة المعارف قرآن لیدن به چاپ رسیده است. در ابتدای این مقاله، نویسنده دو معنای «متشابه» و «چند پهلو» را برای واژه «متشابه» ذکر کرده است که در خصوص معنای اول به بحث ارتباط آیات مشابه با اعجاز قرآن و در مورد معنای دوم به سه بحث آیات ناسخ و منسوخ، جواز تفسیر قرآن و اعجاز قرآن پرداخته است.

نوشتار حاضر به بررسی نقاط قوت و ضعف این مقاله به لحاظ ساختاری و محتوایی می پردازد. بهره گیری از ترجمه مناسب قرآن و ذکر دیدگاه های مختلف و دلایل هر کدام، از نکات مثبت مقاله می باشد. در مقابل، اشکالاتی ساختاری چون جامع نبودن مطالب و کم توجهی به منابع شیعی و نیز اشکالات محتوایی مانند خلط میان متشابه لفظی و معنایی، مصادیق نادرست آیات متشابه و ... بر این مقاله وارد است.

کلید واژگان: قرآن، محکم، متشابه، تشابه لفظی، مستشرقان، لی کینبرگ.

* تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۳۰ و تاریخ تأیید: ۹۳/۷/۱.

** عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس emottaqi@yahoo.com

*** دانش آموز خسته کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن تهران f_ghandali@yahoo.com

مقدمه

یکی از جدیدترین فعالیت‌های خاورشناسان در زمینه قرآن پژوهی، تألیف «دایرة المعارف قرآن» است. این اثر یک دایرةالمعارف تخصصی به زبان انگلیسی و اولین مرجع جامع و معتبر قرآنی در سطح جهانی به شمار می‌رود. که به سر ویراستاری خانم جین دمن مک اولیف^[۱] (استاد تاریخ و ادبیات دانشگاه جرج تاون آمریکا) و با همکاری چهار تن از قرآن پژوهان و اسلام‌شناسان معروف غربی - گلود زلیوت^[۲] (از دانشگاه اکس - آن - پروانس فرانسه)، ویلیام گراهام^[۳] (از دانشگاه هاروارد آمریکا)، و داد کادی^[۴] (از دانشگاه شیکاگو آمریکا) و آندرو ریپین^[۵] (از دانشگاه ویکتوریا کانادا) - نگارش یافته و توسط انتشارات بریل در شهر لیدن هلند انتشار یافته است.

هدف از تألیف این دایرةالمعارف که طرح آن از سال ۱۹۹۳ ریخته شد، بنا به گفته سرویراستار آن، تهیه اثری جامع در خصوص قرآن به منظور بهره‌گیری خوانندگان عمومی و نیز متخصصان و فرهیختگان و زمینه‌سازی تحقیقات گسترده در باب قرآن بوده است (مؤدب، نقد دایرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷: ۲۳).

مداخل این دایرةالمعارف شامل شخصیت‌ها، مکان‌ها، حوادث و مفاهیمی است که مستقیماً در خود قرآن به آنها اشاره شده است. به علاوه، مباحث و موضوعات مهم حوزه مطالعات قرآنی مانند تاریخ مطالعات قرآنی، قرآن و دیگر ادیان، قرآن و فرق اسلامی، قرآن و علوم و فنون و هنرهای اسلامی موضوع مداخل مختلف قرار گرفته است.

انصاف و عدم تعصب در گزارشات و حتی دفاع از ساحت قرآن در برخی مداخل و استفاده از برخی نویسندگان مسلمان را از امتیازات دایرةالمعارف قرآن لیدن برشمرده‌اند. در مقابل، عدم بهره‌گیری از محققان شیعی، کم توجهی به آراء و منابع قرآنی شیعه، جامع نبودن اطلاعات در برخی مداخل و ضعف علمی برخی از نویسندگان از جمله نقدهایی است که بر این مجموعه وارد کرده‌اند (همان).

یکی از مداخل این دایرةالمعارف، مدخل «ambiguous» اثر خانم دکتر لی کینبرگ^[۶]، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه تل‌آویو است. وی متولد فلسطین اشغالی است و مدارج

تحصیلی خود را به این ترتیب طی کرده است: کارشناسی مطالعات متون مقدس و زبان و متون عربی، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه هبرو^[۷] و دکتری مطالعات اسلامی از دانشگاه میشیگان^[۸]. وی در بیست و پنج سال گذشته در دانشگاه تل‌آویو، دانشکده تاریخ خاورمیانه و آفریقا مشغول تدریس بوده و در این سال‌ها با دانشگاه‌های متعددی نیز به عنوان استاد مدعو همکاری داشته است؛ از جمله: دانشگاه کالگری^[۹] کانادا، دانشگاه نیو ساوت ولز^[۱۰] استرالیا، دانشگاه سیمون فریزر^[۱۱] کانادا و دانشگاه ویک فارست^[۱۲] آمریکا.

نوشتار حاضر درصدد بررسی این مدخل است و امید است که در پایان این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، پاسخ روشنی برای سؤالات زیر به دست آید:

این مقاله به لحاظ ساختار، تا چه میزان از معیارهای مقبولیت یک دایرةالمعارف خوب برخوردار است؟

مدخل مورد بررسی، به لحاظ محتوا (صحت، جامعیت، پرداختن به موضوعات اساسی و ... در چه جایگاهی قرار دارد؟

میزان قرابت مطالب این مقاله به اندیشه‌های اسلامی و دیدگاه‌های شیعی تا چه اندازه‌ای است؟

۱- متشابه در لغت و اصطلاح

«متشابه» در لغت، اسم فاعلِ باب تفاعل از ریشه «شبه» بوده و به معنای چیزی است که شباهت به چیز دیگر دارد. ابن منظور در توضیح ریشه این کلمه می‌گوید: «تشابه الشیئان و اشتبها» (ابن منظور، لسان العرب، بی‌تا: ۵۰۳/۱۳). فیروزآبادی نیز به مؤلفه شباهت در معنای این کلمه اشاره داشته و به‌علاوه، امکان اشتباه را مؤلفه دوم می‌داند: «تَشَابَهًا وَ اِشْتَبَاهًا: أَشْبَهَ كُلُّ مَنْهُمَا الْآخَرَ» (فیروزآبادی، القاموس المحیط، بی‌تا: ۴/۲۹۹). زبیدی در این خصوص به روشن نبودن معنا از ظاهر لفظ نظر داشته و می‌گوید: «الْمُتَشَابِهُ: مَا لَمْ يُتَلَقَّ مَعْنَاهُ مِنْ لَفْظِهِ» (زبیدی، تاج العروس، بی‌تا: ۵۱/۱۹). اما راغب اصفهانی مشکل بودن تفسیر را به عنوان نتیجه شباهت در آیات متشابه مطرح می‌نماید: «وَالْمُتَشَابِهُ مِنَ الْقُرْآنِ: مَا أَشْكَلَ تَفْسِيرَهُ لِمِشَابَهَتِهِ بغيره» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، بی‌تا: ۴۴۳).

بنابراین با توجه به معانی که عالمان لغت برای این واژه ذکر کرده‌اند، دو محور معنایی برای این کلمه می‌توان نام برد: «شباهت چیزی به چیز دیگر» و «دشواری تشخیص معنا». اما در معنای اصطلاحی «متشابه» و مراد از آیات متشابه، آرای گوناگون و گاه متناقضی وجود دارد، اما با توجه به محتوای آیه هفتم سوره آل عمران که بنیان‌گذار این اصطلاح است، به نظر می‌رسد بتوان خصوصیات آیات متشابه را بدین صورت استخراج نمود: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران / ۷).

در این آیه، اولاً از دو گروه از آیات سخن به میان آمده است: محکم و متشابه؛ ثانیاً آیات محکم با تعبیر «ام الكتاب» توصیف شده‌اند؛ ثالثاً به مسئله امکان «تأویل نادرست آیات متشابه» و «دستاویز قرار گرفتن این آیات از سوی فتنه‌گران» تأکید شده است و نهایتاً به این مسئله اشاره شده است که به تأویل درست این آیات، خداوند متعال یا خدا و راسخان در علم آگاهی دارند. با توجه به این نکات می‌توان خصایص زیر را برای آیات متشابه برشمرد:

الف) در برداشتن وجوه معنایی متعدد

با توجه به اشاره‌ای که در آیه به امکان وجه معنایی نادرست آیات متشابه شده است و نیز اصل مسلم معناداری آیات قرآن کریم و در نتیجه وجود وجه درست معنایی، این نتیجه حاصل می‌شود که در برخورد با یک آیه متشابه، علاوه بر وجه صحیح، لااقل یک وجه ناصحیح نیز به ذهن می‌رسد، به نحوی که تشخیص وجه صحیح دشوار است. آیت الله معرفت در این خصوص می‌گوید: «تشابه از تشابه الوجوه گرفته شده، یعنی همانندی و شباهت وجهی از آن با وجه دیگر آن؛ به گونه‌ای که سخنی، چند وجه از معانی را در بر داشته باشد و از این جهت است که در چنین سخنی وجه و معنی اصلی مورد نظر پوشیده و مخفی است» (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/۶).

ب) مورد شک و شبهه بودن

علامه طباطبایی رحمته الله این خصیصه را به صورت «دست نیافتن فهم مخاطب بر مراد آیه در بدو امر» مطرح می‌نماید: «أن المراد بالمشابه كون الآية بحيث لا يتعين مرادها لفهم السامع بمجرد استماعها بل يتردد بين معنى و معنى حتى يرجع إلى محكمات الكتاب» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲۱/۳)؛ یعنی آیه متشابه به گونه‌ای است که فهم مخاطب به محض شنیدن آن بر مراد و مقصود آن دست نمی‌یابد و بین دو معنا مردد است تا زمانی که به آیات محکم بازگردانده شود.

زرقانی نیز در این باره می‌گوید: «معنای متشابه بودن بخشی از قرآن این است که دلالت آنها بر مراد و مقصود خداوند متعال روشن نیست» (زرقانی، مناهل العرفان، بی تا: ۱۶۷/۲). بنابراین، آیه متشابه علاوه بر اینکه چند وجه معنایی برایش محتمل است، تشخیص وجه صحیح با دشواری همراه بوده و مورد شک و شبهه است.

ج) قابلیت فتنه‌انگیزی به دلیل امکان تاویل به وجه نادرست

همان گونه که گفته شد، وجوه معنایی مختلف به گونه‌ای است که برخی مصداق تاویل درست و برخی نیز مصداق تاویل نادرست قرار می‌گیرد، اما ویژگی سوم آیات متشابه این است که وجوه نادرست آیه، قابلیت فتنه‌انگیزی داشته و به همین دلیل مورد طمع بیماردلان قرار می‌گیرد؛^[۱۳] به همین دلیل، در آیه شریفه منحرفان به سبب پیروی از آیات متشابه مورد مذمت قرار گرفته‌اند.

البته در آیه مورد نظر، راه برون‌رفت از سردرگمی میان معانی محتمل آیه نیز مطرح شده و آن، ارجاع آیات متشابه به آیات محکم و بهره‌گیری از راسخان در علم است. مسئله ارجاع متشابهات به محکمات را مفسران از وصف «ام الكتاب» بودن محکمات استنباط کرده‌اند. طبق این وصف، پیروی مذموم، پیروی از آیات متشابه قبل از ارجاع آنها به آیات محکم است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲۳/۳).

۲- گزارشی از مدخل «متشابه» در دایرة المعارف قرآن لیدن

نویسنده پس از بررسی لغوی کوتاه واژه «متشابه» به تقسیم بندی آیه ۷ سوره آل عمران که آیات قرآن کریم را به دو دسته محکم و متشابه تقسیم می کند، می پردازد. سپس دو دسته دیگر آیات که به بیان وی با این آیه متناقض به نظر می رسند، مورد بررسی قرار می دهد. بعد برای واژه متشابه دو معنای «مشابه» و «چندپهلوی» را ذکر کرده و ارتباط میان آیات محکم و متشابه را وابسته به یکی از دو معنای یاد شده می داند. آن گاه با در نظر گرفتن معنای «مشابه»، به بیان ارتباط میان آیات متشابه و اعجاز قرآن می پردازد.

در ادامه، با این پیش فرض که آیات متشابه به معنای آیات چند پهلوی هستند، به سه بحث علوم قرآنی آیات ناسخ و منسوخ، جواز تفسیر قرآن و اعجاز قرآن اشاره کرده است.

در خلال این سرفصل ها، نویسنده مطالبی را بیان می کند که پس از بررسی ساختاری مقاله، برخی از آنها مورد اشاره، بررسی و نقد قرار می گیرد.

۳- نقاط قوت مقاله

الف) نقاط قوت ساختاری

۱. عنوان مناسب برای مقاله

از نکات مثبتی که برای دایرة المعارف قرآن لیدن برشمرده اند، نحوه گزینش و نام گذاری مداخل آن است؛ یعنی با بهره گیری از تجربه دایرة المعارف اسلام که مداخل آن بر مبنای تلفظ عربی آنها آوانگاری شده بود و مشکلات زیادی را برای استفاده خوانندگان، به ویژه غیرعرب زبان ها، ایجاد می کرد، در این دایرة المعارف تلاش شده است که تا حد امکان از معادل های لاتین رایج در متون ادبی و مذهبی غربیان بهره گرفته شود؛ برای مثال به جای «نسخ: Naskh» که در دایرة المعارف اسلام مورد استفاده قرار گرفته بود، واژه «Abrogation» برگزیده شده است (دخت عصمتی، «کلیات درباره دایرة المعارف»، اطلاع یابی و اطلاع رسانی، ۱۳۸۶: ۴). این امر در خصوص این مدخل نیز مشهود است، به گونه ای که به جای «mutashabeh» از تعبیر «ambiguous» استفاده شده است.

۲. مستند بودن مطالب

یکی از نکات جالب توجه این مقاله، مستند بودن مطالب و تعدد ارجاعات است؛ به گونه‌ای که نویسنده، گفته‌های خود را به یک یا چند منبع ارجاع می‌دهد؛ برای مثال، برای تعریفی از واژه «محکم» که عبارت است از «آیاتی مستقل که به هیچ توضیحی نیاز ندارند»، به سه منبع *النکت ماوردی، زاد المسیر ابن جوزی و بحر المحيط ابوحیان* ارجاع داده شده است.^[۱۴] یا در بحث آیات متشابه و اعتبار تفسیر قرآن، قول «امکان تفسیر آیات متشابه به چند طریق» مستند به هشت منبع شده است.^[۱۵]

۳. لحن گزارشی

از جمله مهم‌ترین نقطه قوت این مقاله، لحن گزارش‌گری آن است؛ یعنی نویسنده تلاش نموده است که اطلاعات به دست آمده را بدون داوری بیاورد و در معرض دید خوانندگان قرار دهد؛ مثلاً در بحث جواز تفسیر آیات متشابه، هم دلایل قائلان به جواز تفسیر این دسته آیات را آورده است و هم دلایل معتقدان عدم جواز را. وی در دلایل عدم جواز تفسیر آیات متشابه به «انحصار دانش آیات متشابه به خدا» و «امکان تحریف معنای آیات متشابه و در نتیجه گمراه شدن مؤمنان» اشاره کرده است؛ ضمن آنکه در بحث جواز تفسیر این آیات، استدلال‌هایی چون «توجه به فواید وجود آیات متشابه در قرآن کریم» را مطرح نموده است (EQ, 2001, 75)؛ به عبارت دیگر، در این مقاله نتایج از پیش تعیین شده نیست و مؤلف در جهت خاصی موضع‌گیری نکرده است؛ لذا خواننده با کنار هم قرار دادن آنها می‌تواند خود به قضاوت بنشیند.

ب) نقاط قوت محتوایی

۱. ترجمه مناسب آیات قرآن کریم

یکی از نقاط قوتی که به لحاظ محتوایی می‌توان برای این مقاله برشمرد، بهره‌گیری از ترجمه نسبتاً مناسب برای آیات قرآن کریم است؛ برای نمونه، ترجمه آیات ۷ سوره آل عمران، ۲۳ زمر در دو ترجمه خانم صفارزاده و خانم لی کینبرگ مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

آیه ۷ آل عمران: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...﴾.

ترجمه خانم لی کینبرگ:

It is he who sent down upon you the book (q.v), wherein are verses clear (ayat muhkamat) that are the essence of the book (umm al-kitab), and others ambiguous (mutashbihat) (EQ,2001,70).

ترجمه خانم صفارزاده:

Allah is the One Who has sent down to you [O, Messenger] the [Holy] Book; some of its Words of Revelation Are Decisive and Explicit and these are The basics of the Book and others are Ambiguous.

چنان که ملاحظه می‌شود، در این ترجمه‌ها واژه «محکم» در ترجمه خانم لی کینبرگ به «clear» و در ترجمه خانم صفارزاده به «Decisive and Explicit» ترجمه شده است. در کتب لغت، دو واژه «clear» و «Explicit» مترادف یکدیگر و به معنای روشن، واضح و صریح هستند؛ بنابراین، هر چند که خانم صفارزاده با افزودن واژه «Explicit» (به معنای قاطع و قطعی) به ترجمه، معنای واژه را روشن‌تر نموده است.

اصطلاح متشابه نیز در هر دو ترجمه به «Ambiguous» ترجمه شده است.

- آیه ۲۳ زمر: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا...﴾

ترجمه خانم لی کینبرگ:

God has sent down the fairest discourse as a book consimilar (kitabān mutashabihan) (EQ,2001,70).

ترجمه خانم صفارزاده:

Allah has sent down the Supreme Message in the Book. The Words of Revelation of the Holy Qur'an Concerning their meanings are similar.

در ترجمه این آیه، خانم لی کینبرگ واژه متشابه را به «consimilar = با هم متشابه» ترجمه کرده است و خانم صفارزاده با عبارت توصیفی «their meanings are similar»، به تشابه معنایی اشاره کرده است؛ بنابراین، تفاوت دو ترجمه، در تحت اللفظی یا تفسیری بودن ترجمه‌هاست. به این معنا که خانم لی کینبرگ ترجمه‌ای تحت اللفظی از کلمه به دست داده است، در حالی که خانم صفارزاده به مراد از این تشابه نیز پرداخته است.

لذا به نظر می‌رسد ترجمه‌ای که نویسنده مدخل برای آیات قرآن کریم به دست داده است، به ترجمه‌ای که یک مسلمان شیعی ارائه کرده، نزدیک است. این خصیصه سبب می‌شود که در بحث محکم و متشابه، تا حد امکان از بدفهمی‌های ناشی از ترجمه ناصحیح جلوگیری شود؛ بنابراین اگر اشکالاتی به مقاله وارد باشد، ناشی از ترجمه غلط و مغرضانه از آیات قرآن کریم نیست، بلکه به عوامل دیگری برمی‌گردد که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره شده است.

۲. ذکر دیدگاه‌های مختلف در کنار یکدیگر

نویسنده دیدگاه‌های مختلف در زمینه‌ای خاص را در کنار یکدیگر آورده و دلایل هر یک را نیز بیان کرده است. این موضوع اولاً زمینه مطالعات و تحقیقات بیشتر را در موضوعات مورد اختلاف برای مخاطبان خود فراهم می‌کند. ثانیاً آنان را قادر می‌سازد که با مقایسه دلایل هر گروه، بهترین دیدگاه را انتخاب نمایند؛ برای مثال، در بحث علم به آیات متشابه، به هر دو دیدگاه قائلان به انحصار و عدم انحصار علم به تشابهات اشاره کرده و مبنای هر گروه را نیز بیان نموده است. وی شواهدی چون روز رستاخیز، ظهور دجال قبل از آخر الزمان، بازگشت مسیح و ... که ذیل عنوان تشابهات ذکر شده‌اند، قابلیت تحریف آیات متشابه و دستاویز قرار گرفتن آنها از سوی فرقه‌هایی همچون خوارج را در تأیید عدم جواز آیات متشابه آورده است و در مقابل به فوایدی چون توسعه دانش تفسیر و شکوفایی توانایی‌های انسان در پی تلاش‌های روشن‌گرانه به عنوان دلایل جواز تفسیر این دسته از آیات اشاره کرده است (EQ, 2001, 72-74).

بنابراین، در دیدگاهی خوش‌بینانه و با این فرض که هدف نویسنده به نمایش کشیدن گستردگی تعدد آراء در بحث تشابهات نباشد، این موضوع می‌تواند به عنوان خصیصه مثبت این مدخل تلقی شود.

۴- نقاط ضعف مقاله

الف) نقاط ضعف ساختاری

۱. جامع نبودن مطالب و نپرداختن به مسائل مهم در بحث «تشابه»

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دایرة المعارف خوب، آن است که اطلاعات نسبتاً جامعی در موضوعات مختلف حوزه آن دایرة المعارف ارائه دهد؛ چراکه دایرة المعارف، خلاصه معارف بشری در یک رشته یا همه رشته‌هاست و از جمله ویژگی‌های آن باید ارائه اطلاعات جامع در یک موضوع باشد، به گونه‌ای که محقق را از منابع فرعی بی‌نیاز کند (رضایی اصفهانی، «بررسی دایرة المعارف قرآن لیدن» قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۵: ۱)، اما این نکته در مقاله مورد نظر مورد غفلت قرار گرفته است. نویسنده در ابتدای مقاله تنها به ذکر این نکته که واژه «متشابه» اسم فاعل از ریشه «شبه» است، اکتفا می‌کند. معنای اصطلاحی این کلمه را نیز باید در لابلای نوشته‌ها جست‌وجو کرد. نمونه دیگر در بحث عدم جامعیت مطالب مقاله می‌توان نام برد، بحث از چرایی و حکمت وجود آیات متشابه و نیز فواید وجود این آیات در قرآن کریم است که تفصیل این مطلب در بخش اشکالات محتوایی آورده می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد که بهتر بود نویسنده به جای پرداختن به موضوعات درجه دومی چون رابطه میان آیات متشابه و اعجاز قرآن، به موضوعات مهم‌تری که از دیرباز ذهن دانشمندان مسلمان را به خود مشغول داشته است، می‌پرداخت.

۲. جامع نبودن منابع مورد استفاده

یکی از اشکالاتی که به‌طور کلی بر دایرة المعارف قرآن لیدن وارد است، کم توجهی به آرا و منابع شیعه است، در حالی که اندیشه دینی شیعه، به دلیل برخورداری از عنصر عقل‌گرایی، دارای تحلیل‌ها و برداشت‌های ناب و عقل‌پسندی است که هر تشنه معارفی را سیراب می‌کند. به دلیل این ویژگی انتظار می‌رود که مستشرقان که متصف به عقل‌گرایی هستند، به‌طور طبیعی به دیدگاه‌های شیعه اهتمام ویژه‌ای داشته باشند، لکن به هر دلیل (عدم دسترسی به منابع شیعه، غفلت و ضعف علمی نویسنده یا تعصب و عناد) در بسیاری از

مداخل، اندیشه‌های ناب شیعه طرح نمی‌شوند (مؤدب، «نقد دایرة المعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷: ۲۳).

به عبارت دیگر، از ویژگی‌ها یک تحقیق علمی مطلوب، تنوع منابع است، اما در مقاله مورد بررسی، تمامی ارجاعات به منابع اهل تسنن است، جز یک مورد که نویسنده مطلبی را علاوه بر چند منبع اهل تسنن، به مجمع البیان طبرسی نیز ارجاع می‌دهد؛ این مطلب عبارت است از تعریف متشابهات به: آیاتی که می‌توانند به بیش از یک طریق تفسیر شوند.^[۱۶] روشن است که علاوه بر عدم انحصار ارجاع این مطلب به منابع شیعی، مطلب مورد نظر رأی اختصاصی شیعه نبوده است.

در مواردی غیر از این مورد، منابع شیعی مورد استناد قرار نگرفته و بنابراین موافقت یا مخالفت نظر شیعه با مطالب مطروحه مشخص نیست.

ب) نقاط ضعف محتوایی

۱. اشکال در تعاریف اصطلاحی

یکی از مواردی که در هر مقاله‌ای شایسته بررسی است، معنای اصطلاحی اصلی‌ترین کلیدواژه است. اما در این مقاله، بخشی ویژه به معنای اصطلاحی کلمه «متشابه» اختصاص نیافته و تعاریف اصطلاحی را بایستی در متن جست‌وجو نمود. این چنین معانی اصطلاحی که در سطح کل مقاله پراکنده است، عبارت است از: تعریف این واژه به «منسوخ»، «حروف مقطعه»، «آنچه باید به آن معتقد بود، ولی عمل نکرد»، «جنبه عملی دستورات که می‌تواند از یک مذهب تا مذهب دیگر فرق کند» و «آیاتی که می‌توانند به بیش از یک صورت تأویل شوند» (EQ, 2001, 71-75).

۱۴۵ روشن است که دو مورد نخست، به فرض صحت، مصادیق آیات متشابه می‌باشند نه تعریف. در خصوص سه مورد آخر هم باید گفت این سه، درصد کمی از تعاریف موجود را تشکیل می‌دهند، چنان که علامه طباطبائی رحمته‌الله ذیل آیه ۷ سوره آل عمران ۱۶ مورد از این تعاریف را آورده و نقد نموده است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳/۳۲-۴۰). نویسنده مقاله در

«هستی و چیستی محکم و متشابه» نیز مهم‌ترین نظرها را مطابق سیر تاریخی دسته‌بندی کرده و به نقد کشیده است (فاکر میبیدی، «هستی و چیستی محکم و متشابه»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۷: ۹).

به تعاریف سه‌گانه فوق نیز اشکالاتی دیگر وارد است: در تعریف اول، یعنی «آنچه باید به آن معتقد بود، ولی عمل نکرد»، مقصود آیات منسوخه هستند که دوران عمل به آنها به پایان رسیده است. اما علامه رحمته‌الله این تعریف را این‌گونه نقد می‌کند که حتی اگر این نظر درست باشد، دلیلی ندارد که متشابهات منحصر در آیات منسوخ باشد؛ زیرا خصوصیات آیات متشابه (یعنی فتنه‌جویی و تأویل‌یابی در پیروی از آنها) در بسیاری از آیات غیرمنسوخه نیز هست، مانند آیات مربوط به صفات و افعال خدا (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۴/۳).

در مورد تعریف دوم یعنی «جنبه عملی دستورات که می‌تواند از یک مذهب تا مذهب دیگر فرق کند»، باز یکی از خصایص آیات متشابه یعنی قابلیت فتنه‌انگیزی مفقود است؛ چراکه اگر چنین باشد، آیات احکام (جنبه عملی دستورات) به دلیل فتنه‌انگیزی شایسته پیروی نیستند!

در نقد سومین تعریف نیز که به شافعی نسبت داده شده است، علامه می‌گوید: اولاً در این وجه، کاری صورت نگرفته و تنها لفظ متشابه با «آیه‌ای که چند وجه از تأویل را تحمل کند» تبدیل کرده است. ثانیاً در این وجه، تأویل را به معنای تفسیر گرفته است و در این صورت، علم به تأویل آیات متشابه مختص به خدا یا خدا و راسخان در علم نیست؛ زیرا آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند و مؤمن و کافر و راسخان در علم و اهل زیغ همه در فهم آیات قرآن یکسان هستند (همان، ۳۶/۳).

علاوه بر آنچه گفته شد، این نکته را نیز باید افزود که سه تعریف فوق از آموزه‌های اختصاصی شیعه نیستند؛ برای نمونه، از رأی علامه طباطبایی که در پایان نقد آرای دیگران مطرح نموده، سخنی به میان نیامده است. علامه معتقد است آیات متشابه به گونه‌ای است که مقصود از آن برای شنونده روشن نیست و چنان نیست که شنونده به محض شنیدن آن، مراد از آن را درک کند، بلکه در اینکه منظور کدام معناست، تردید می‌کند و تردیدش تا

زمانی که به آیات محکم رجوع نکند، برطرف نمی‌شود (همان، ۲۱/۳)؛ بنابراین، نقش آیات محکم، تحدید دلالت‌های آیات متشابه است و این چیزی است که از بیانات ائمه اطهار علیهم‌السلام به دست می‌آید. علامه در این باره می‌گوید: «آنچه از بیانات مختلف ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به دست می‌آید، این است که در قرآن مجید متشابه به معنای آیه‌ای که مدلول حقیقی خود را به هیچ وسیله‌ای به دست ندهد، وجود ندارد. بلکه هر آیه‌ای اگر در افاده مدلول حقیقی خود مستقل نباشد به واسطه آیات دیگری می‌توان به مدلول حقیقی آن پی برد و این همان ارجاع متشابه به محکم است، چنان که آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه/ ۵) و آیه ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر/ ۲۲) ظاهرند در جسمیت و مادیت، ولی با ارجاع این دو آیه به آیه کریمه ﴿كَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری/ ۱۱) معلوم می‌شود مراد از قرار گرفتن و آمدن که به خدای متعال نسبت داده شده، معنایی است غیر از استقرار در مکان و انتقال از مکان به مکان» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۱).

۲. خلط میان متشابه لفظی و متشابه معنایی

از مطالب این مدخل برمی‌آید که نویسنده میان تشابه لفظی و معنایی خلط کرده است. این نکته را در جای جای مقاله می‌توان یافت؛ برای مثال می‌گوید: «ارتباط بین دو جزء قرآن (محکم و متشابه) بسته به معنایی که به کلمه «متشابه» نسبت داده شده معین می‌شود؛ چراکه در ادبیات تفسیری تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است. معنای «مشابه» برای مستند کردن ماهیت اعجازی قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، تفسیر این کلمه به «چندپهلوی» دلالت گسترده‌تری داشته و بر سه موضوع اصلی قرآنی تأثیر می‌گذارد...»^[۱۷]

هر چند که در قرآن کریم، واژه متشابه به هر دو معنا به کار رفته است، اما مقصود از آیات متشابه لفظی که قرآن پژوهان با عناوینی مانند «تصریف الآیات» و «اسرار التکرار» به آن پرداخته‌اند، آیاتی است که بیشتر الفاظ آنها شبیه به یکدیگر بوده و در عین حال تفاوت‌هایی در تقدیم و تأخیر، زیادت و نقصان، تعریف و تنکیر، ایجاز یا اطناب و ... دارند و یک مفهوم و مقصود را به صورت‌های گوناگون مطرح می‌کنند (حسینی و رضایی کرمانی، «پژوهشی درباره آیات متشابه لفظی قرآن کریم»، علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۷: ۸۱). اما وقتی این کلمه مقابل واژه محکم قرار می‌گیرد، مقصود، وصف معنایی آیات قرآن است؛ یعنی معنای ظاهر مدلول کلام نیست.

دلیل این سخن آن است که آیات متشابه لفظی، ویژگی مورد شک و شبهه قرار گرفتن را که جزو ویژگی‌های آیات متشابه است، ندارد؛ برای مثال، دو آیه «وَأَرْسَلْنَا فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (اعراف / ۱۱۱) و «وَأَيُّوعًا فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعراء / ۳۶) جزو متشابهات لفظی قرار کریم به شمار می‌روند، اما کسی درباره وجه معنایی دو آیه به تردید نمی‌افتد، ضمن آنکه قرآن کریم یکی از ویژگی‌های آیات متشابه را قابلیت فتنه‌انگیزی می‌داند، حال آنکه آیات متشابه لفظی یا آیات متکرر، به علت تشابه در لفظ چنین قابلیت را ندارند.

البته این سخن غیر از بحث امکان تفکیک لفظ و معنا از یکدیگر است؛ چراکه در تشابه معنایی نیز به هر حال لفظ به گونه‌ای است که قابلیت انتقال مراد جدی گوینده را ندارد؛ بنابراین، در بحث محکم و متشابه نیز هم لفظ و هم معنا دخیل هستند، اما نقش لفظ در تشابه آیات متشابه نه بدین جهت است که در آیات دیگری تکرار شده است، بلکه از آن جهت است که لفظ گنجایش معانی والا را ندارد. نویسنده به دلیل همین اشتباه، مطالبی را بیان می‌کند که جایگاهش در بحث «تشابه لفظی» است، مانند رابطه بین آیات مشابه و اعجاز. البته این اشتباهی نیست که تنها نویسنده این مقاله مرتکب آن شده باشد، بلکه در برخی آثار که بیشتر از گروهی از تابعیان نقل شده است، خلطی میان متشابه در آیه ۷ سوره آل عمران و متشابه در آیه ۲۳ سوره زمر رخ داده است (شاکر و فخاری، «بررسی سیر تاریخی روایات، آثار و دیدگاه‌ها در محکم و متشابه»، علوم حدیث، ۱۳۸۹: ۵۸)؛ بنابراین، ممکن است وحدت عناوین در دو بحث متشابه لفظی و متشابه معنایی به چنین خلطی منجر شده باشد.

۳. ذکر مصادیق نادرست برای آیات متشابه

لی کینبرگ در خلال بحث‌های خود به نقل از منابع اهل تسنن، مصادیقی را برای آیات متشابه برمی‌شمرد؛ برای نمونه، به یکی از این موارد اشاره می‌شود. وی در بخشی از مقاله خود می‌گوید: «تقریباً تمام مفسران حروف اسرارآمیز قرآن (فواتح یا اوائل السور) را به عنوان آیات متشابه شناسایی کرده‌اند (مثل تفسیر طبری). اینها حروفی هستند که در ابتدای سوره‌های معینی آمده و معنای آنها ناواضح است».^[۱۸]

وی در جای دیگری از مقاله می‌گوید: «موضوعات زیادی ذیل عنوان متشابهات ذکر شده‌اند: روز رستاخیز، ظهور دجال قبل از آخر الزمان، بازگشت مسیح و روز پیش‌گویی شده که خورشید از مغرب برمی‌آید و مثال‌های دیگر».^[۱۹]

در خصوص حروف مقطعه، هرچند که بسیاری به متشابه بودن این آیات معتقدند،^[۲۰] با توجه به خصوصیتی که گفته شد، به نظر می‌رسد که حروف مقطعه از حوزه متشابهات قرآن خارج است. به این معنا که آیه ۷ سوره آل عمران بر منحصر بودن آیات قرآن در دو قسم محکم و متشابه دلالتی ندارد. این مطلبی است که در منابع اهل تسنن نیز به آن اشاره شده است.^[۲۱]

از سوی دیگر، در تعریف اصطلاحی آیات متشابه گفته شد: آیات متشابه آیتی هستند که اولاً وجوه معنایی متعدد داشته باشد، ثانیاً وجه صحیح مورد شک و شبهه باشد، ثالثاً وجوه نادرست به گونه‌ای باشد که قابلیت فتنه‌انگیزی داشته باشد. لکن ملاحظه می‌شود که در حروف مقطعه هر سه خصیصه مفقود است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این خصوص می‌گوید: «باید توجه داشت که در آیه کریمه، آیات متشابهه را به نام متشابه در مقابل محکم خوانده و لازمه این تسمیه این است که آیه نامبرده مدلولی از قبیل مدلولات لفظی داشته باشد. نهایت اینکه مدلول واقعی با غیرواقعی مشتبه شود و حروف مقطعه فواتح سور مدلول لفظی این طوری ندارند. علاوه بر این، ظاهر آیه این است که جمعی از اهل زیغ و انحراف از آیات متشابهه در اضلال و تفتین مردم استفاده می‌کنند و در اسلام شنیده نشده است کسی از حروف مقطعه فواتح سور چنین استفاده تأویلی بنماید ... و اما حروف مقطعه فواتح سور اصلاً مدلول لفظی لغوی ندارند و بدین سبب از مقسم محکم و متشابه بیرونند» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۹-۴۷).

البته مصادیق دیگری همچون زمان وقوع قیامت، ظهور دجال و ... که در مقاله به عنوان مصادیق آیات متشابه مطرح شده‌اند نیز قابل بررسی و نقد هستند. به طور خلاصه می‌توان گفت این آیات از متشابهات به شمار نمی‌روند، چراکه بیان زمان قیامت یا ظهور دجال اصلاً جزو مقاصد آیه، نیست که بگوییم ابهام در آن موجب تشابه می‌شود؛ بنابراین، مفاد این‌گونه آیات روشن بوده و اشتباهی در فهم رخ نمی‌دهد (ناصرحیان، «تأویل و راسخان در علم»، آموزه‌های فقهی (الهیات و حقوق)، ۱۳۸۳: ۱۱).

۴. عوامل و فواید وجود آیات متشابه

در مقاله مورد بحث، درباره فلسفه و چرایی وجود آیات متشابه و نیز فواید وجود این آیات که از مهم‌ترین مباحث در موضوع تشابهات است، به طور مستقل سخنی به میان نیامده است، لکن در خلال مطالب به نکاتی در این خصوص اشاره شده است، از جمله:

- «همبستگی میان آیات متشابه و فتنه، در بحث فلسفه وجود آیات متشابه در قرآن ذکر شده است: خدا آنها را نازل کرده تا مردم را آزمایش کند، آنهایی که آیات متشابه را دنبال نمی‌کنند به عنوان معتقدان راستین پاداش داده خواهند شد، در حالی که آنهایی که آیات متشابه را پیروی می‌کنند گمراه خواهند شد».^[۲۲]

- «در صورتی که قرآن تنها از آیات محکم تشکیل شده بود، هیچ نیازی به توسعه دانش تفسیر قرآن وجود نداشت».^[۲۳]

- «اگر تمام آیات برای همگان واضح بود، اختلاف توانایی‌های انسان بروز نمی‌کرد. افراد درس خوانده و جاهل برابر می‌بودند...».^[۲۴]

- «ابهام آیات متشابه، مؤمنان را به تفسیر آنها در بیش از یک راه قادر می‌سازد. این بدین معناست که قرآن با بیش از یک رویکرد در یک موضوع سازگار است و اینکه گرایش‌های مختلف در اسلام احتمالاً انعکاس ایده‌هایشان را در قرآن می‌یابند. این مسأله، به متن مقدس اجازه می‌دهد که به عنوان منبعی از پاسخ‌ها و راه‌حل‌ها برای هر مشکل در هر زمانی به کار رود و یکی از وجوه اصلی ماهیت/طبیعت اعجاز‌آمیز قرآن را نشان می‌دهد».^[۲۵]

بنابراین، ملاحظه می‌شود که از عوامل تشابه در قرآن سخنی به میان نیامده است، به بیان دیگر، قبل از صحبت درباره فواید وجود آیات متشابه، بایستی از عوامل ظهور چنین آیاتی بحث نمود. نخستین و مهم‌ترین عامل وجود تشابه در قرآن، «ضیق اللغه و سعة المعنی» است؛ بدین معنا که واژه‌ها و عبارات در هر زبانی از جمله زبان عربی که قرآن به آن زبان نازل شده است محدود است. از سوی دیگر، استفاده از واژه‌هایی که در یک زبان وضع نشده است، از سوی هیچ متکلمی پذیرفته نیست. قرآن کریم نیز از این مقوله مستثنا نیست؛ لذا مبانی ژرف قرآن، گاهی در قالب واژگان زبان عرب نمی‌گنجد؛ بنابراین، گریزی نیست از اینکه از صراحت آن معانی کاسته

شود (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۹/۳؛ شاکر و فخاری، «بررسی سیر تاریخی روایات، آثار و دیدگاه‌ها در محکم و متشابه»، علوم حدیث، ۱۳۸۹: ۵۸).

غیر از این عامل، عوامل دیگری نیز برای دخول آیات متشابه در قرآن ذکر شده است؛ از جمله کاربرت صنایع ادبی و بلاغی (موسوی زاده، ۱۳۸۹)، متنوع شدن آرای کلامی در اثر پدید آمدن مکاتب مختلف عقیدتی (همان)، تغییر معانی اصطلاحی واژه‌ها در گذر زمان (شاکر و فخاری، همان) و

با این توضیحات روشن می‌شود که در خصوص راز وجود تشابه در قرآن، جایی برای «توسعه دانش تفسیر»، «روشن شدن درجه تفاوت افراد» و «تأیید ضمنی تعدد مذاهب» که نویسنده مقاله ذکر کرده است، باقی نمی‌ماند؛ چراکه از وجود تشابه در برخی از آیات قرآن کریم گریزی نیست. هرچند ممکن است برخی از آنچه مفسران در حکمت وجود آیات متشابه گفته‌اند، در طول عوامل اصلی حاصل آید، لیکن حتی اگر چنین فوایدی بر آیات متشابه مترتب نبود، باز چنین آیاتی در قرآن کریم یافت می‌شد.

در مورد وجه آخر (یعنی تأیید ضمنی مذاهب گوناگون) نقد دیگری نیز وارد است و آن اینکه هرچند به عقیده برخی از مفسران، در طول تاریخ اسلام، فرقه‌های گمراه در میان مسلمانان با تمسک به آیات متشابه سعی بر حق نشان دادن عقاید باطل خود داشته‌اند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۴۱/۳)^[۲۶]، اما این به معنای صحه گذاردن قرآن کریم بر این عقاید باطل و فرقه‌های منحرف نیست؛ چراکه قرآن کریم برای حل نارسایی معنایی آیات متشابه راه حل معرفی نموده است؛ بدین معنا که برای رفع تشابه آیات متشابه بایستی به آیات محکم رجوع نمود. مبنای درستی این ارجاع نیز راسخان در علم هستند که قرآن کریم آنها را عالم به تأویل آیات قرآن کریم معرفی می‌نماید. یعنی نقش راسخان فی العلم در خصوص تشابهات اولاً مشخص نمودن آیات متشابه و ثانیاً آموزش چگونگی ارجاع آیات متشابه به محکم است. شاید به همین دلیل برخی، دلیل وجود آیات متشابه را در «آزمایش بودن این نوع از آیات در رجوع به مفسران خاص» جست‌وجو کرده‌اند (موسوی زاده، «تأمیلی دوباره در راز وجود آیات متشابه و محمل در قرآن کریم»، معرفت، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۵. جواز تفسیر آیات متشابه

خانم لی کینبرگ بخش جالب توجهی از مقاله خود را به بحث جواز تفسیر آیات متشابه اختصاص داده است. وی در این باره، دو دیدگاه متناقض را آورده و دلایل هر یک را نیز بیان کرده است. وی در بیان دلایل قائلان به تفسیرپذیری این آیات، ابتدا نقد آنان را به «امکان تحریف معنای آیات متشابه و در نتیجه گمراه شدن مؤمنان» که از سوی دیدگاه مقابل مطرح شده است، می‌آورد: «آیه محکم با تفسیر کردن آیه متشابه، هرگونه فهم نادرستی را که می‌تواند انسان مؤمن را گمراه کند، از بین می‌برد؛ بنابراین، هنگامی که انسان مؤمن از آیه محکم برای فهم آیه متشابه کمک می‌گیرد، راهش را به سوی اعتقاد صحیح پیدا می‌کند. وقتی که آیه‌ای متشابه در راستای آیه محکم تفسیر نشده باشد، کسانی که به این تفسیر اعتماد و تکیه کرده‌اند، گمراه خواهند شد».^[۲۷]

سپس می‌افزاید: «بنابراین ابهام آیات متشابه، احساس نیازی در جهت موشکافی آنها ایجاد کرده است. در صورتی که قرآن فقط از آیات محکم تشکیل شده بود، هیچ نیازی برای توسعه دانش تفسیر قرآن وجود نداشت. اگر تمام آیات برای همگان واضح بود، اختلاف توانایی‌های انسان بروز نمی‌کرد و افراد درس خوانده و جاهل برابر می‌بودند و تلاش‌های روشنگرانه متوقف می‌شد».^[۲۸]

هرچند این دلایل از سوی عده‌ای از دانشمندان مسلمان مطرح شده است، دلایل بسیار متقن‌تری وجود دارد که نویسنده از آنها غفلت نموده است.

منشأ این نظر که علم به تشابهات مختص به خداوند متعال است، در بسیاری از موارد، مستأنفه دانستن «او» در عبارت [﴿وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ از آیه] ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾ (آل عمران / ۷) است. اما این استدلال به دلایل مختلف تام نیست؛ زیرا این آیه در مقام بیان ضابطه کلی در ارجاع تشابهات به محکمت است؛ لذا یا لازم است راه‌های ارجاع متشابه به محکم را بیان کند، یا افراد متخصص را جهت مراجعه معرفی نماید. از آنجا که راه اول تبیین نشده است، خداوند حکیم راه دوم را اختیار نموده و مردم را در علم به تشابهات به راسخان در علم ارجاع داده است.

اما اگر هیچ یک از آن دو بیان نشده باشد، لازم می‌آید که آیه مورد بحث، خود از متشابهات باشد؛ چرا که در این صورت دلالت آیه کفایت لازم را ندارد (ردایی کلارستاقی، «قرآن و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام در تأویل»، قیسات، ۱۳۸۹: ۵۷).

ضمن آنکه حتی با فرض استینافیه بودن «واو»، از آنجا که حصر موجود در آیه حصر اضافی است، نمی‌تواند دلیل بر عدم آگاهی راسخان در علم باشد؛ زیرا دلایل متعدد عقلی و نقلی بر عدم حقیقی بودن حصر دلالت دارد. از جمله این دلایل می‌توان به نقش هدایتگری تمامی آیات قرآن کریم اعم از محکم و متشابه اشاره نمود؛ چراکه در صورت انحصار این علم به راسخان در علم، لازم می‌آید که آیات متشابه فایده‌ای جز قرائت الفاظ و حروف نداشته باشند و خارج از حوزه هدایتگری قرآن کریم باشند. در صورتی که قرآن کریم خود را «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره/ ۱۸۵) معرفی می‌کند. در این صورت، این آیات به عنوان وسیله‌ای برای فساد در دین به دست مفسدان می‌افتاد. ولی قاعده لطف حکم می‌کند که امکان جلوگیری از فتنه جویان به وسیله علم به این آیات وجود داشته باشد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/۳۶؛ ردایی کلارستاقی، همان). البته هدایتگری کتاب بدین معنا نیست که تمامی افراد می‌توانند با مراجعه به قرآن به علم این‌گونه آیات پی ببرند، بلکه متخصصان فن و مفسران خاص هستند که عهده‌دار این مهم هستند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، دلایل دیگری نیز در خصوص عدم انحصار دانش متشابهات به خداوند متعال اقامه شده است؛ از جمله برهان سیاقی^[۳۹]، دستور به تدبیر تمامی آیات^[۳۰]، دأب مفسران در تفسیر آیات متشابه^[۳۱]، روایات صحیح دال بر علم راسخان در علم نسبت به تمامی آیات قرآن کریم^[۳۲] و... که توجه به آنها در اتخاذ دیدگاهی خاص در خصوص علم به آیات متشابه و اجازه تفسیر آنها مهم بوده و جای خالی آنها در مدخل مورد بحث احساس می‌شود.

مدخل «تشابه» از دایرة المعارف قرآن لیدن، دارای محاسن و معایبی به لحاظ ساختاری است. از جمله محاسن ساختاری این مدخل، می‌توان به عنوان مناسب، مستند بودن مطالب و لحن گزارشی اشاره کرد. از طرفی معایبی همچون جامع نبودن مطالب و عدم ارجاع به منابع

شیعی از ضعف‌های ساختاری این مدخل است. به دلیل مورد اخیر، یعنی عدم مراجعه مؤلف به منابع شیعی، مطابقت کاملی میان مطالب این مدخل با دیدگاه‌های شیعه نمی‌توان یافت. این مدخل به لحاظ محتوایی نیز دارای نقاط قوت و ضعفی است. استفاده از ترجمه مناسب آیات قرآن کریم و ذکر دیدگاه‌های مختلف و بیان دلایل هریک در زمره نکات مثبت این مدخل به شمار می‌رود. در مقابل، خلط میان تشابه لفظی و معنایی، مصادیق اشتباه آیات متشابه و عدم توجه به دلایل متقن در خصوص چرایی وجود آیات متشابه و ... را می‌توان به عنوان معایب محتوایی این مدخل نام برد.

پی‌نوشت‌ها

- [1] GanDemmenMcoAuliffe.
- [2] GlaudGiliot
- [3] William Graham
- [4] WadadKadi
- [5] Andrew Rippin
- [6] Leah Kinberg
- [7] Hebrew university
- [8] Michigan university
- [9] Calgary university
- [10] New South Wails university
- [11] Simon Frazer university
- [12] Wake Forest university

[۱۳] البته برخی در صراحت آیه در قابلیت فتنه‌انگیزی تمامی آیات متشابه تردید کرده‌اند (ر.ک: فرهی، محمد مهدی، بازپژوهی مراد از آیات محکم و متشابه).

[14] The Muhkam are defined as independent verses that need no explanation (Mawardi, Nukat, i, 396; Ibn al-Jawzi, Zad, i, 350; Abu Hayyan, Bahr, ii, 381): EQ, p75.

[15]...the mutashabih are those that may be interpreted in more than one way (Tabari, Tafsir, iii, 115-6; al-Jassas, Ahkam, ii, 281; Mawardi, Nukat, i, 396; Wahidi, Wasit, i, 413-4; Baghawi, Ma'alim, i, 427; Tabarsi, Majma', ii, 15; Qurtubi, Jami', iv, 10; Suyuti, Itqan, iii, 4; Shawkani, Tafsir, i, 314): EQ, p 73

[16]...the mutashabih are those that may be interpreted in more than one way (Tabari, Tafsir, iii, 115-6; al-Jassas, Ahkam, ii, 281; Mawardi, Nukat, i, 396; Wahidi, Wasit, i, 413-4; Baghawi, Ma'alim, i, 427; Tabarsi, Majma', ii, 15; Qurtubi, Jami', iv, 10; Suyuti, Itqan, iii, 4; Shawkani, Tafsir, i, 314): EQ, p 73

[17] The relation between the two components of the Qur'an is governed by the meaning ascribed to the word mutashabih, for which the exegetical literature offers a variety of definitions. The meaning of "similar" is used to document the miraculous nature of the Qur'an. On the other hand, the term interpreted as "ambiguous" has wider implications and bears upon three qur'anic issues...: EQ, p 70.

[18] Almost every commentator identifies the "mysterious letters" (fawatih - or awa'ilal-suwar, see LETTERS AND MYSTERIOUS LETTERS) of the Qur'an as mutashabih (e.g. Tabari, Tafsir, iii, II6-7). These are the letters that occur at the beginning of certain suras and whose meaning is unclear: EQ, p 75.

[19] ... several topics defines as mutashabih are mentioned: resurrection day, the appearance of the Antichrist before the end of days, the return of Christ and the prophesied day the sun will rise in the west, among others: EQ, p 73.

[۲۰] برای مثال، زرقانی در مناهل العرفان حروف مقطعه را جزو متشابهات برشمرده است: واعلم أن في مقدمة هذا القسم فواتح السور المشهورة؛ لأن التشابه والخفاء في المراد منها (زرقانی، مناهل العرفان في علوم القرآن، ۲/ ۱۷۵).

[۲۱] رک: زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ۲/ ۱۹۹؛ سیوطی، الاتقان في علوم القرآن، ۱/ ۵۹۲.

[22] The correlation between the mutashabih verses and dissention was also mentioned in the discussion of the reasons for the existence of the mutashabih in the Qur'an: God revealed them to test the people. Those who do not follow the mutashabih will be rewarded as true believers, while those who follow them will go astray: EQ, p 74.

[23] Had the Qur'an consisted only of muhkamverses, there would have been no need for the science of the interpretation of the Qur'an to develop: EQ,p75.

[24] Had every verse been clear to everyone, the difference in people's abilities would not come to the fore. The learned ('alim) and the ignorant (jahil) would have been equal...: EQ, p 75.

[25] The ambiguity of the mutashabih verses enables believers to interpret them in more than one way. This means that the Qur'an accommodates more than one approach to a given issue and that different trends in Islam are likely to find their ideas reflected in the Qur'an. This allows the holy text to serve as a source of answers and solutions to any problem at any time and represents one of the central aspects of the miraculous nature of the Qur'an: EQ, p 76.

[۲۶] برای مثال، فرقه‌های معتقد به الهیات تشبیهی، طبیعتاً آیات تشبیهی را محکم و آیات تنزیهی را متشابه می‌گیرند؛ لذا آیات تنزیهی را به گونه‌ای تفسیر یا تأویل می‌کنند که با آیات به زعم خود محکم همساز شود (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: گذشته، ساز و کار تفسیر محکم و متشابه از دیدگاه معرفت‌شناسی کلامی).

[27] The Muhkam, by interpreting the Mutashabih, clears away any misunderstanding that might mislead the believer. It thus can happen that when a believer consults a Muhkam to understand an ambiguous Mutashabih, he finds his way to the true faith. When a Mutashabih is not interpreted in accordance with a Muhkam, those who rely on it will go astray: EQ, p 75.

[28] Thus the ambiguity of the Mutashabih creates the need to scrutinize them. Had the Qur'an consisted only of Muhkam verses, there would have been no need for the science of the interpretation of the Qur'an to develop. Had every verse been clear to everyone, the difference in people's abilities would not come to the fore. The learned ('alim) and the ignorant (jahil) would have been equal and intellectual endeavor would cease: EQ, p 75.

[۲۹] به معنای استدلال بر عاطفه بودن «واو» با توجه به سیاق آیه ۷ سوره مبارکه آل عمران، ر.ک: ردایی کلارستاقی، قرآن و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در تأویل.
 [۳۰] اشاره به آیه ۸۲ سوره مبارکه نساء: ر.ک: طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۴.
 [۳۱] «و نحن لم نر المفسرين الى هذه الغايه توقفوا عن شيء من القرآن فقالوا هو متشابه لا يعلمه الا الله...»: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲/ ۲۰۳.
 [۳۲] ر.ک: اعرابی، نکاتی باریک تر از مو (ملاحظاتی بر مقاله تفسیر معناسانسانه آیه محکم و متشابه)

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، بی تا.
۲. اعرابی، غلامحسین، نکاتی باریک تراز مو (ملاحظات بر مقاله تفسیر معاشناسانه آیه محکم و متشابه)، پژوهش دینی، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.
۳. اقبال، ابراهیم، فرهنگ نامه علوم قرآنی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۴. حجتی، سید محمد باقر و ابراهیم اقبال، «پیشگامان نگارش در علوم قرآن»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
۵. حسینی، بی بی زینب و محمد علی رضایی کرمانی، «پژوهشی درباره آیات متشابه لفظی قرآن کریم»، علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
۶. دخت عصمتی، محدثه، کلیات درباره دایرة المعارف، اطلاع یابی و اطلاع رسانی، شماره ۴، بهمن ۱۳۸۶.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دار القلم، بی تا.
۸. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.
۹. رحمان دوست، مجتبی، تفاسیر قرآن کریم (مقدمه ای برای مفتاح التفاسیر)، تهران: حوا، چاپ سوم، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۰. ردایی کلارستانی، حسین، قرآن و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در تأویل، قیسات، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، بررسی دایرة المعارف قرآن لیدن، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش.

۱۲. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، بی تا.
۱۴. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۶. شاکر، محمد کاظم؛ فنخاری، سعید، بررسی سیر تاریخی روایات، آثار و دیدگاه‌ها در محکم و متشابه، علوم حدیث، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۹ش.
۱۷. طالقانی، سید عبد الوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، قم: دار القرآن الکریم، بی تا، ۱۳۶۱ش.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
۲۰. فاکر میبیدی، محمد، هستی و چیستی محکم و متشابه، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۹، ۱۳۸۷ش.
۲۱. فرهی، محمد مهدی، «بازپژوهی مراد از آیات محکم و متشابه»، حسنا، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱ش.
۲۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۲۳. گذشته، ناصر، «ساز و کار تفسیر محکم و متشابه از دیدگاه معرفت‌شناسی کلامی»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۸۷ (دفتر دوم)، زمستان ۱۳۸۲ش.
۲۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۵. مودب، سید رضا و سید محمد موسوی مقدم، «نقد دائرة المعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، شیعه‌شناسی، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۷ش.
۲۶. موسوی زاده، سید محمد حسین، تأملی دوباره در راز وجود آیات متشابه و مجمل در قرآن کریم، معرفت، شماره ۱۵۲، مرداد ۱۳۸۹ش.

۲۷. ناصحیان، علی اصغر، «تأویل و راسخان در علم»، آموزه‌های فقهی (الهیات و حقوق)، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۳ش.

28. Leah, Kinberg, Ambiguous, Encyclopedia of Quran (EQ), volume1, Leiden: Brill, 2001.

29. Dr. Leah Kinberg, (n.d.), Retrieved from
<<http://college.wfu.edu/religion>>.